

با ما در ارتباط باشید

info@shahrara.com رایانامه
۰۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ تلفن

شهرداری

۰۵۹۷...۹۱۵ چسرا زمین های بایسی که در مجاورت پارک پردیس قائم (جنب میدان شهید فهمیده) است به پارک اضافه نمی شود تا در اختیار عموم قرار بگیرد؟

۰۷۵۸...۹۳۵ آقای شهردار! در خیلی از خیابان ها نیمکتی برای نشستن نیست. در ضمن از میدان شهدا با ترس رد شدم، لطفا پل عابر نصب کنید.

۰۶۵۹...۹۳۶ پیاده رو خیابان مقصداد در چهارراه گاز بسیار خراب است، دست انداز دارد و قابل استفاده نیست. اول مقدار تا مقدار پنجم خاکی است.

۰۶۲۱...۹۳۵ لطفا فکر ی به حال ایستگاه باز یافت بولوار شفا یکنید، نیروهایش بر خورد مناسبی ندارند. سیستم نیز همیشه قطع است. بیشتر مواقع هم خالی از اجناس بهداشتی است.

شهروند باتوجه به احداث خط ۴ قطار شهری در انتهای مهر مادر، لطفا برای آسفالت مسیر دهرود به مهر مادر (مسیر لوله گاز) هم اقدام شود. وضعیت این مسیر (وجود نخاله ها و لاشه های متعفن حیوانات و دیگر مشکلات) شایسته ابر شهر مذهبی و مرکز فرهنگی معنوی جهان یعنی مشهد مقدس نیست.

۰۸۱۹...۹۱۵ به حق است به پاس قدردانی از زحمات کارکنان درمانی، نیروهای آتش نشان و نیروهای خدمات شهرداری، تندیس یادبودی ساخته و نصب شود.

اتوبوس رانی

۰۷۷۲...۹۳۹ از یک طرف مسئولان اتوبوس رانی بخش نامه می زند که اتوبوس رانان خسته و خواب آلود حق نشستن پشت فرمان را ندارند، از طرف دیگر اتوبوس رانان را برای گرفتن حتی یک روز مرخصی به اضافه کار اجباری وادار می کنند! آخر راننده اتوبوسی که تا ۱۲ شب سر کار است و نزدیک ۱۲ شب به خانه می رسد، چگونه باز ساعت ۳:۳۰ صبح و حتی در بعضی مواقع زودتر از خواب بیدار شود و دوباره رانندگی کند؟ اگر نیرو کم دارید، چرا استخدام نمی کنید؟

علوم پزشکی

شهروند مسئولان محترم! اگر حقوق کارگران اضافه شده است، چرا پرداختش نمی کنید؟ من در بیمارستان خصوصی مشغول به کار هستم و پرستارم، لطفا اداره کار پیگیری کند.

سازمان تأمین اجتماعی

شهروند تا این گرانی ها، ۲ ماه بیکار بودهام. بعد از گذشت ۳ ماه از سال جدید و با ۱۹ سال سابقه بیمه، هنوز بیمه بیکاری را نداده اند.

شهروند باز نشستگان تأمین اجتماعی حداقل بگیر هستند و با سختی زندگی می کنند. کمک مسئولان که حرفش را زدند، حباب بود!

شهروند از دولت محترم توقع داشتیم به ما توجه بیشتری داشته باشد و تبعیض نگذارد. کاش خاطره خوشی برایمان از دولت محترم به جا بماند. در این پیری حق مستمری بگیر تأمین اجتماعی چنین نبود.

شهروند چرا تأمین اجتماعی با این وضعیت تورم و گرانی، حقوق باز نشستگان را علی الحساب پرداخت نمی کند؟

شهروند بعد از پچاندن هسان سازی حقوق باز نشستگان با شاغلان هم تراز، بار دیگر دولت چوندان به باز نشستگان، آن هم افزایش نیافتن یکسان حق عائله مندی و اولاد باز نشستگان با شاغلان بر خلاف نص صریح قانون و رویه سال های قبل. لطفا از آقایان نوبخت و اعتمادی بپرسید با چه منطقی امسال باید حق عائله مندی و اولاد باز نشستگان از شاغلان کمتر باشد؟

آتش نشانی

۰۳۲۰...۹۱۵ بعد یک سال و گذراندن هفت خان رستم در مرحله آخر آزمایشات آزمون استخدامی آتش نشانی، گفتند اول ۶۰۰ هزار تومان واریز کنید. فردی که بیکار است و هنوز پادر هواست، از کجا باید این مبلغ را تأمین کند؟! خواهشمندیم به گوش مسئولان برسانید، واقعا به دور از انصاف است.

بانک

شهروند بانک رسالت تمام شعبه هایش را در شهر جمع کرده است و امور بانکی به صورت الکترونیکی و بدون کارمند انجام می شود. فقط یک شعبه در بولوار معلم باز است که اگر مراجعه کنید، غلغله است! با این وضعیت کرونا مردم از تمام شهر باید به آنجا مراجعه کنند. با مسئولان بانک رسالت هم صحبت کردم، ولی نتیجه نداشت و پاسخ گو نیستند.

شهروند با شروع کرونا اعلام کردند که مردم می توانند اقساط وام های بانکی را تا ۳ ماه با تأخیر واریز کنند. وام ازدواج هم شامل این طرح می شود. بنده ۳ ماه وام ازدواجم را نریختم ام. ۲ روز پیش از بانک ملت -در تربت حیدریه که من وامم را گرفته ام- پیام داده اند که باید ۳ قسط را یکجا واریز کنم که می شود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان. می شود به آن بانکی که دستور پرداخت ۳ قسط را یکجا می دهد بگویید من کارگر که کل حقوقم یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است و کلی قسط و قرض هم دارم، از کجا باید ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان یکجا بیاورم؟! کسی نیست که نظارت داشته باشد.

متفرقه

شهروند ممنون از پیگیری مسائل مربوط به

رنج های بزرگ مردان کوچک

واقعیت هایی از قصه زندگی کودکانی که به امید کار راهی مشهد شده اند

و آغوش مادرانه، با تریاک خوابیده تا در چهار سالگی به کریستال برسد و ضایعات جمع کند. من هر ۳ را در مرکز نگهداری کودکان خیابانی و کار صدف مشهد دیده ام که تنها مرکز نگهداری کودکانی از این دست در شهر و استان است. دیروز هم روز جهانی مبارزه با کار کودکان کار بود. همین است که گفت دست شما را هم بگیرم و بنشانمتان پای ۳ قصه واقعی.

بیادآوری و بیان روزهایی که بر این ۳ نفر گذشته است، برایشان خیلی دشوار بود. میان هر جمله سکوتی طولانی بود و نگاهی که از زمین برداشته نمی شد.

الهام مهدیزاده
e.mahdizadeh@shahraranews.ir

سنی ندارند، نهایت ۱۱ یا ۱۲ سال، اما تلخی هایی که در زندگی چشیده اند، بیشتر از قدوقامتشان است. یکی برای فرار از آزارهای عمومی معناداش و کار سنگین در انبار گندم از اهواز به مشهد آمده است. آن یکی از وقتی پادش می آید با اسپند دود کردن نان آور مادرش بوده و خیال کرده اینجا اوضاع بهتر است. یکی هم به جای شیر



گزارش روز

سید محمد

بابای خوبی می شوم، نه مثل بابای خودم

روایت اول

اهوازی هستم و ۱۱ سال دارم. چهارساله که بودم پدرم به دلیل کریستالی که می کشید، در عالم توهم عمومی را جلو چشمان من به قتل رساند. آن روز را کامل به خاطر دارم. برای پدرم حکم ابد صادر شد و او تا آخر عمر در زندان است. همان سال مادرم تصمیم گرفت غیابی طلاق بگیرد.

من و فاطمه، خواهر دوساله ام، به مادر بزرگم سپرده شدیم. عمومی دیگرم که خانه مادر بزرگم زندگی می کرد، اعتقاد داشت. من را مجبور کرد در انبار گندم کار کنم و درآمد را می گرفت برای خرید بخشی از موادش... عماد قبل رفتم ترمینال اهواز. ۱۰۰ هزار تومان از قبل داشتم که بلیت خریدم. به مشهد که رسیدم، اول رفتم حرم امام رضا(ع). چون می دانستم که اینجا هیچ کس را ندارم، همان اول به یکی از خادم های حرم گفتم که من پدر و مادری ندارم. من را به انتظامات حرم برد و از آنجا به همین مرکز آور دند. الان عمامه است اینجا هستم. دوست ندارم دیگر به اهواز برگردم. می خواهم اینجا و در شلتر * بمانم. پسرهای شلتر دارند کار یاد می گیرند، انگشت سازی، تعمیر خودرو و... من هم می خواهم اینجا یاد بگیرم، خودم پول داشته باشم و بزرگ بشوم. من عاشق درس خواندنم. اگر اینجا بمانم هم درس می خوانم، هم کار می کنم. دوست دارم چشم پزشکی بشوم. فقط تو را خدا من را به اهواز برنگردانید. اگر برگردانید، دوباره می آیم مشهد. من یک آرزو هم دارم که پدر خوبی شوم. اگر بزرگ شدم، بابای خوبی می شوم، نه بد اخلاق نه معتاد.

روایت دوم
روایت دوم، مانده های داستان سیدمحمد است که مدیر مرکز صدف برایمان گفته است. سیدمحمد از آن بچه هایی است که با این سن کم کلی آسیب دیده است. برای همین خواستم از گذشته او چیزی نپرسید. سیدمحمد را بعد از قتل که پدرش انجام می دهد، به خانه مادر بزرگش می فرستند، اما عمومی معناداش همیشه او را کتک می زند. نمی دانم متوجه موهای سر و دست های این بچه شدید یا نه؟ عمومی این بچه برای کار کشیدن از داغ راه روی دست و بخش هایی از سرش هنوز مانده است. ببینید یک بچه چقدر می تواند آزار ببیند که خودش تصمیم بگیرد به دورترین نقطه از شهر و جایی که زندگی می کند پناه ببرد. سر نوشت این بچه های معصوم و بی پناه را هر کس که می شنود تا چند ساعت گیج گیج است. یک بار با پسرم تلفنی صحبت می کردم. حواسم نبود که یکی از بچه داخل اتاق است. به پسرم گفتم: «بابا چیزی نمی خوی؟ قربون شکلت، من کار دارم. هر کاری داری زود بگو.» وقتی قطع کردم آن پسر بچهای که داخل اتاق بود گفت: «کاش من هم بابایی مثل شما داشتم. خوش به حال پسر تان.» این حرفش من را آتش زد.

* خانه امن یا شلتر یا سرپناه، مکانی محرمانه است که برای پناه گرفتن افراد از عواملی که برای آن ها خطر ساز هستند، مانند خشونت خانگی و مزاحمان استفاده می شود.



شهرام

می خواستم پول جمع کنم برای مادرم ببرم

بدهم و باهم زندگی کنیم. دلم برای مامانم تنگ شده است.

روایت دوم

شهرام دیشب با مردی افغانستانی که گفته پدرش است، راهی مشهد بوده است که در مسیر با شناسایی مأموران او را به اورژانس اجتماعی تحویل می دهند. آن طوری که شهرام گفته، مادرش ایرانی است. دست ها و صورتش آفتاب سوخته و زخمی است. این زخم ها و آفتاب سوختگی با قدوقامت کوچکش هم خوانی ندارد.

* صدای خشن شهرام به چهره کودکان و موهای چتری اش نمی خورد. راه رفتنش مدل «بیژن قالیپاق» فیلم اخراجی ها بود. آن صدای ضحیم با بغض و اشکی که برای مادرش می ریخت، هم خوانی نداشت. مدام التماس می کرد که به مادرش زنگ بزنیم. همان روزی که دیدمش با پیگیری هایی که انجام شد، مادر شهرام برای تحویل او راهی مشهد شد.



مرحمت فرموده ما رامس کنید

گله شهروندان از مهیا نبودن زیر ساخت های طرح تمدید الکترونیکی دفترچه های بیمه

البته مشخص نیست آنجا هم جواب می گیر د یا نه؟! درست است که با اجرای طرح تمدید الکترونیکی دفترچه های بیمه دیگر نیازی نیست بیمه شده به کارگزاری های بیمه مراجعه حضوری داشته باشد و مهر بزند، اما اجرای صحیحش وابسته است به فراهم بودن زیر ساخت های مراکز درمانی و نظارت دقیق و پیوسته نهادهای نظارتی. این فقط ۲ نمونه از مشکلاتی بود که به واسطه مهیا نبودن زیر ساخت های اجرایی آن گریبان مردم را گرفته و آن ها را سرگردان کرده است.

۱۳۹۷

توسعه این پروژه در مراکز درمانی غیرملکی شروع شد و اکنون در ۱۸ استان نسخه ها از سوی پزشکان طرف قرارداد سازمان به صورت الکترونیکی صادر می شود.

۱۳۹۵

قرار بود در مردادماه این سال کارت هوشمند در ۳ ماه به جای دفترچه های بیمه جایگزین شود که چنین نشد و فقط تا حدودی برای بیماران خاص استان یزد اجرا شد.

۱۳۸۸

شروع بحث حذف دفترچه بیمه های درمانی و جایگزینی آن با یک کارت هوشمند

۱۳۹۳

مردادماه این سال به گفته رئیس سازمان تأمین اجتماعی طرح حذف دفترچه درمانی پس از یزد، به طور آزمایشی در تهران آغاز شد. چندی بعد نوبت به اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی رسید.

۱۳۹۶

بنا بود تا شهریورماه این سال طرح در ۱۰۰۰ مرکز درمانی سراسر کشور انجام شود و در عمل نیاز به تمدید اعتبار دفترچه از بین برود.

۱۳۹۹

بنا بود تا شهریورماه این سال طرح در ۱۰۰۰ مرکز درمانی سراسر کشور انجام شود و در عمل نیاز به تمدید اعتبار دفترچه از بین برود.



حجت الاسلام علی ذوعلم، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش: **دانش آموزان میان پایه ای سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ برای ثبت نام کتب درسی خود فقط امروز ۲۳ خردادماه مهلت خواهند داشت.**